

هم در این اوقات می‌گویند که گمرکات جنوب در رهن انگلیس است! و این حرفها را مخصوصاً بدولت فرانسه رسانیده‌اند و دولت فرانسه با وصف اینکه خیلی مایل است این خدمت را بدولت علیه بکند ولی مات و متحیر مانده است و چون رهن گمرکات درکار نیست و روسها علانیه (الانیه) مانع‌اند که گمرکات شمالی و جنوبی در پیش دولت فرانسه رهن گذاشته شود، نظر بر این احوال و نظر بدوستی و اتحاد و همعهدی که فیما بین دولت فرانسه و روس فراهم آمده است و برقرار شده است محال ممتنع و خلاف پلتیک است که دولت فرانسه در این کار و یالینکه در کارهای دیگر، دولت روس را از خود برنجانند، الحاصل مقصود این است که حالا این عمل استقراض یک مسئله عمده پلتیکی واقع شده و دولت روس نمی‌خواهد که دولت علیه در نزد دول اروپ اعتباری بهمرساند و بلکه خیال او این است که دولت علیه را بطوری مضمحل نماید که اسم و رسمی از او در روی زمین باقی نماند، در این مدت هرچه اهتمام کرده‌ام که این اشتباهکاری دولت روس را رفع نمایم حرف بنده مسموع نشده است و باور نمی‌کنند که حرف دولت روس در باب رهن بودن گمرکات شمالی و جنوبی در پیش آن دولت بی اصل باشد، در این اوقات هم چنانکه بموجب تلغراف معروض شده است رفتم جناب «کنت موراویف» را دیدم و به او نیز حالی کردم که گمرکات دولت علیه در پیش آنها و در پیش انگلیسها رهن گذاشته نشده است، و هرچه دلیل آوردم و اصرار کردم که بلکه او را از این صرافت بیندازم گفت «خیر اینطور نیست» و این را هم به او و بسفیر کبیر روس و بخود وزیر امور خارجه فرانسه تکراراً گفته‌ام که اولاً گمرکات ایران در رهن روسها نیستند و اگر احیاناً مرهون شده باشند من خودم که مامور این کار هستم و از جانب دولت متبوعه خودم اختیار نامه دارم تعهد می‌کنم و نوشته می‌دهم که آن صد و یا دویست هزار تومان طلب بانک روس را و همچنین بقیه طلب «رژی» را بدهم، اما احدی گوش باین حرفها نمی‌دهد و بهمین واسطه این کار باینطورها معوق مانده است، حالا که جناب «کنت موراویف» وزیر امور خارجه روسیه تعهد کرده است که بعد از ورود به پترزبورغ (پترزبورغ) کاری بکند که بصلاحدید دولت انگلیس این کار استقراض در فرانسه بگذرد. تا ببینم بر عهد خود وفا خواهد کرد یا نه؟ جناب مسیودلکاسه همینقدر می‌گوید اگر از دولت روس یک نوشته در دست داشته باشیم که گمرکات شمالی و جنوبی آزاداند بانک ما این قرض را بشما خواهد داد، اگر ممکن باشد چنین نوشته تحصیل بشود بمحض وصول آن این عمل استقراض در اینجا صورت انجام خواهد گرفت، زیاده عرضی ندارم، باقی ایام جلالت و شوکت مستدام باد - مورخه یوم پنجشنبه بیستم شهر جمادی الاول ۱۳۱۶ (پشت کاغذ مهر یمین السلطنه).» (سند شماره ۴۶)

از حضرت میرزا آقاسی خانی
 مندرک و طبع شده است
 محمد تقی خان کتبخان
 این جزوه را به دست میرزا آقاسی خانی
 امیر کبیر و سایر اعیان
 بفرستادند
 در تاریخ ۱۲۱۳
 محمد تقی خان کتبخان

ترجمه تلگراف کت مودتیه و وزیر مختار روس - ۲۳ دستان ۱۳۱۷ - شرایط استقرار دولت ملیه ایران بنا بر آداب استقامت تمام گشته شد. موافقت نمودند و در اول دولت ملیه ایران مذاکره نمودند و با تلگراف کتبخان مندرک و طبع شده است. میرزا آقاسی خانی در این عهد و محال در امور ایران باخبر بود. در بیان تلگراف کتبخان در اول دولت ایران، مورد کار استقامت را تمام شده بداند. مورد اولیه. این تلگراف کتبخان (۲۳ دستان) توسط تلگراف کتبخان (پرسه) در روسیه استقامت تمام روسی از فرستادن باختر قول (سند شد) و بعد از (تعمیر و دوباره) تلگراف کتبخان در روسیه فرستاده شد. در نوشته تلگراف کتبخان استقامت تمام است.

سند شماره ۴۵ - در خصوص استقرار از دولت روسیه

فردا در روز یکشنبه، در دولت فرانسه با وصف اینکه
 نیا همیست این نه است را بدست می‌کند و
 است و نیز نامه است و غیر هم که است در یک پرتو
 در دهه اولین این اند که در کلمات شاد و مجزود
 بشر هفت فرانس هم که باشد منظر برای دولت
 و نظیر در دست و دستار و معهود که نیا بیست و نه
 در سر راه است و در قدرت است و در دست است و
 خوف نیک است و هفت جزوه در روز یکشنبه
 و یک در کار و در دست و در دست و در دست
 مستعد در این است و در دست و در دست و در دست
 همه اینجا در دست است و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست

کتبخان

در بیان حضور در کتبخان از روز یکشنبه در دست
 نیز بر نه تمام خود و عزت است و در کتبخان هم و در دست
 کتبخان هم کتبخان از دست و در دست و در دست
 در کتبخان هم و در دست و در دست و در دست
 در دست است در دست و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست
 در دست و در دست و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست
 و در دست و در دست و در دست و در دست

در سر از او در روزی باقی نماند در این وقت
 مرد با تمام کدوم بر این پیشه کار دولت و کس را نماند
 تا یک روز به سماع نشد بهت و او در کشته بود
 بهت و کس را با بدمی چون کلمات تا در مینویسد
 در پیش دولت و دولت و دولت در این اوقات چنان
 بویب تفاوت مینویسد بهت و دم فاسکت میماند
 درم و با در تیر ناگه کلمات بهت بهت در این اوقات
 و در تیر انگلیس را در کشته نشد بهت و مرد و در این اوقات
 و در سر کدوم و کدوم او را در این اوقات بهت و کس را نماند
 برای دولت و برای دولت و برای دولت و کس را نماند
 در روز او را در تیر ناگه کلمات بهت بهت در این اوقات
 در این دولت و دولت و دولت و کس را نماند
 باشد که تمام بهت و در این اوقات بهت و کس را نماند

ضمیمه شماره ۱۰۰ درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 آن که در و با یک بهت و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 و همین بهت بهت درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 استحقاق بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت
 وزیر امور خارجه روسیه که بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت
 بنظر رسید که در کلمات بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت
 این کار استحقاق درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 بهت و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 تا بهت و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 اگر ملک باقی بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت بهت
 استحقاق درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم
 و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم و درم

سند شماره ۴۶ - گزارش بعین السلطنه (قسمت دوم)

قرارداد روس و انگلیس درباره وام به ایران

«دولتین روس و انگلیس بیست کرور تومان بالاشتراک به دولت علیه ایران از قرار صد هفت قرض می دهند و به شروط ذیل:

اول - آنکه دولت علیه مصارف خرج این وجه را باید با اطلاع دولتین روس و انگلیس بنماید.
 دوم - دولت روس از این وجه حق مطالبه اقساط استقراضی قبل را ندارد و نباید از این وجه بردارد.

سوم - قرارنامه این بیست کرور تومان قرض که دولتین روس و انگلیس به دولت علیه ایران می دهند، مطابق و موافق با قرارنامه استقراضی دولت علیه ایران از دولت روس است که در سنه یک هزار و نهصد و دو نموده است.

چهارم - چهار کرور این وجه را از امروز تا شب عید نوروز، دولت علیه ایران از دولت روس و انگلیس مساعده یعنی پیشکی خواهد گرفت؛ و مدت اداء این چهار کرور یک سال است، و چهار ماه هم مهلت دارد.

پنجم - گرو و ضامن این چهار کرور تومان نزد دولت روس، گمرکات شمالی و نزد دولت انگلیس پستخانه و تلگرافخانه، که سابق داده شده است می‌باشد. هرگاه هم مکفی نباشد، گمرکات بنادر خلیج فارس ضمیمه گرو نزد دولت انگلیس خواهد بود.

ششم - بقیه وجه این قرارنامه استقراضی وقتی داده خواهد شد که دولت ایران چند ماه قبل از لزوم، اطلاع به دولتین روس و انگلیس بدهد.»

چون هنوز قانون اساسی نوشته نشده بود و صدور وظایف و مسئولیت وزراء معلوم نبود و از طرف دیگر وزراء و درباریان توجهی به مجلس نداشتند، برای اولین دفعه حاج مخبرالسلطنه هدایت از طرف مشیرالدوله صدراعظم به مجلس آمد و نامه‌ای از طرف او به مجلس ارائه داد. مفاد نامه این بود که دولت ۲۰ کرور تومان مقروض است و با دو دولت روس و انگلیس مذاکره کرده که از آنها پنج کرور تومان قرض بگیرد، دو دولت روس و انگلیس دستور پرداخت قرض را به بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی داده‌اند و فقط محتاج به اجازه مجلس است، سپس شرایط قرضه را اعلام کرد که پنج آن ۷٪ و گمرکات شمال در گرو روسها و تلگرافخانه و پستخانه در گرو انگلیس‌ها خواهد بود.

نمایندگان مجلس مخالفت خود را با قرض کردن از خارجی‌ان اظهار کردند و برای اولین دفعه دولت با مخالفت مجلس روبرو گردید.

در این دوره انجمنی از طلاب علوم دینی تشکیل شده بود که با اقدامات دولت از جمله استقراض از کشورهای خارجی مخالف بودند و عقیده داشتند که با تأسیس بانک دولت می‌تواند احتیاجات مالی خود را رفع کند، آنها نظر خود را ضمن مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌ها منتشر نمودند.

مقاله انجمن طلاب

«... چون اداره امور تاکنون بطور استبداد بوده قاعده و قانون صحیحی که متضمن مآل بینی و عاقبت اندیشی باشد در دستگاه دولت نبوده، رفته رفته به مرور زمان مالیه دولت رو به نقصان گذاشته ناچار به استقراض از خارجه شده، در این چند ساله مبالغ کلی دولت علیه از دولت روس و بانک‌های فرنگی در تهران قرض نموده است، و حالا هم برای اداره امور، دولت ناچار به استقراض است، در این چند روزه گفتگو و مباحثه در مجلس شورای ملی مسئله استقراض دولت بوده است، که آیا قرض از روس و انگلیس و اقتدار آنها و ضعف و انکسار ما مقتضی مصلحت دولت و ملت ایران هست یاخیر؟ پس از مباحثات و مذاکرات حاصل رأی وکلای مجلس بلکه عقیده کل مسلمین و متدینین این است که استقراض دولت ایران از خارجه با اوضاع امروز دنیا عظیم‌ترین گناه و

بزرگترین معاصی و شنیع‌ترین اعمال است. زیرا استقراض از خارجه بحکم تجربه و عقل و بطور قطع و یقین وسیله تسلیط خارجه بر مسلمین و تباهی مملکت و باعث انقراض دولت و فروختن ناموس ملت است. نظر به این ملاحظات، در مجلس شورای ملی [به] اتفاق آراء بر این شد که ملت ایران، ولو به فروختن کفش و کلاه هم باشد، باید با بانک ملی با شرایط لازمه محکمه تأسیس نموده سرمایه‌ای فراهم کنند که هم قرض دولت را بدهند و هم خرج امروزه دولت را برسانند، و هم به امور نافع که مایحتاج مملکت است از راه سازی و ایجاد کارخانجات و غیره شروع نموده، منافع کثیره از آن حاصل نمایند. حال موافق اعلانی که منتشر شده بانک ملی تأسیس گشته از علماء و رجال و وزراء و اعیان و تجار و کسبه و دهاقین از هر طبقه و صنف حتی طلاب علوم دینی، که نظر به کمال عسرت و ضیق معیشت از دایره این شرکت و تکلیف مستثنی بوده‌اند، باز از روی غیرتمندی و عصبیت مذهبی علی قدر استطاعتهم از یک تومان الی پنجاه هزار تومان سرمایه به بانک ملی داده و می‌دهند، و چون بر هر فردی از افراد ایرانی و پیرو مذهب مسلمانی شرعاً و عقلاً واجب و محتتم است که دست اتفاقی داده، از اعانه و امداد بانک ملی احتیاج دولت متبوعه خود را از خارجه رفع نموده و شریعت حضرت ختمی مرتبت و ناموس ملت را حفظ، و خاک مقدس ایران را که وطن مألوف و خانه موروث مسلمین است از مداخله و تسلط اجانب صیانت نماید. لهذا فریضه دین‌داری و مقام علم و تقوی آقایان علما و قائدین ملت اسلام است، که بعد از رسیدن این مقاله عموم اهالی را از اعیان و رجال و تجار و طلاب و کسبه و اصناف در مسجد حاضر نموده، این مقاله را با نظامنامه انتخاب مجلس شورای ملی و اعلان بانک برای عموم اهالی قرائت نمایند و پس از آن برحسب تکلیف شرعی عبادالله را به فواید و منافع استمداد و کمک با بانک ملی که وسیله حیات ایران و نجات ایرانیان است ملتفت و متوجه سازند، که هرکس بقدر استطاعت خود از نفری یک تومان الی صد هزار تومان اعانه و امداد نموده به بانک ملی بعنوان قرض بدهند و قبض بگیرند. همین که عراة معاملات بانک با دولت بکار افتاد و شروع به داد و ستد نمود، هرکس که پول خود را خواست سند بانک را داده اصل و منافع آنرا دریافت کند.

مخصوصاً این نکته را به عموم اهالی درست گوشزد و حالی فرمائید که مجلس شورای ملی از طرف عموم ملت ایران در سرمایه بانک و وضع معاملات او ناظر و بصیر و عالم و خبیر خواهند بود، و محال است پولی را که ملت ایران امروزه به بانک مزبور قرض می‌دهند با اهمات مجلس شورای ملی دیناری سوخت و سوز بشود. نظر به همین اعتماد و اطمینان بعضی از تجار غیرتمند مبلغ خطیر، سرمایه به بانک مزبور داده‌اند. باکمال خطر جمعی هرچه می‌تواند امروزه کمک

و استمداد نموده قرض بدهد و از بانک مزبور قرض بگیرد و هروقت که به پول خود محتاج شد بعدها سند بانک را داده اصل و منافع حاصله آن را موافق محاسباتشان [از] بانک، دریافت کند. مقصود این است معامله با بانک ملی مثل معامله متداوله با یک شریک است فرقی در کار نیست مگر اینکه دادن پول به تاجر و صرافی که سرمایه او غیر معین و طریقه داد و ستد و باطن کار او مبهم است تحمل سوخت و سوز و ضرر و زیان می باشد، اما قرض دادن به بانک ملی که سرمایه و اعتبار آن عجاله به سی کرور و بعد به صد کرور تعیین شده و عموم مردم یک مملکت از اعمال و طرز معاملات آن همه روزه بواسطه انتشار روزنامهجات مطلع خواهند بود، به هیچ وجه احتمال سوخت و سوز نمی رود و بلکه از وجود چنین تجارتخانه معتبر رفع احتیاجات دولت شده روز بروز برفوت و شوکت دولت و ملت اسلام افزوده و از نفوذ و رسوخ اجانب کاسته می گردد والسلام علی من اتبع الهدی.»

در نتیجه مخالفت با استقراض از دول خارجی و پیشنهاد تأسیس بانک از طرف مردم و کمک مالی آنها برای رفع احتیاجات دولت، بانک ملی تأسیس گردید.

کلمه بانک از لغت لاتینی Banco به معنای نیمکت صرافان گرفته شده که به تدریج این مؤسسات صرافی سازمان یافته و به بانک های امروز تبدیل گردیده اند.

با پیشرفت تدریجی صنعت بانکداری بتدریج لزوم ایجاد بانک مرکزی احساس گردید چنانکه بعد از جنگ جهانی اول بحرانهای پولی در کشورهای مختلف موجب اعتقاد بیشتر به لزوم حفظ ارزش پول از راه نظارت در نشر اسکناس شد. از اوائل قرن بیستم به ویژه سال ۱۹۲۱ پس از کنفرانس بین المللی بروکسل و قبول توصیه آن بیشتر کشورها پذیرفتند که وجود بانک ناشر اسکناس یا بانک مرکزی در هر کشوری می تواند با حفظ ارزش پول و تنظیم حجم اعتبارات و اعمال سیاستهای پولی و نظارت بر عملیات کلیه بانک های تجاری و تخصصی از بروز بحرانهای پولی جلوگیری کرده و نقش اساسی را در رشد یا توسعه اقتصادی کشور ایفا نماید.

اولین بانکی که در ایران تأسیس گردید بانک جدید شرق بود که در سال ۱۲۶۶ شمسی در شمال شرقی میدان توپخانه در محل بانک بازرگانی (بانک تجارت فعلی) شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۲۶۷ کلیه شعب و اثاثیه آن به بانک شاهی واگذار گردید و پس از واگذاری بانک شاهی به رویترا بانک استقراضی ایران که بیشتر فعالیت آن در شمال کشور بود در سال ۱۲۶۹ به پیشنهاد یکی از اتباع روسی تأسیس گردید که در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۰۱ شمسی این بانک به دولت ایران واگذار شد.

پس از گذشت چهل سال در تاریخ ۱۳۰۴/۲/۱۴ اولین بانک ایرانی (بانک سپه) با چند دهه واقع

در گذر تقی خان با سرمایه اولیه ۲/۸۸۳/۹۵۰ ریال موجودی صندوق بازنشستگی درجه داران ارتش تشکیل و شروع به فعالیت نمود و متعاقب آن بانک ملی ایران در تاریخ ۱۳۰۷/۶/۱۷ با سرمایه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تأسیس، که علاوه بر عملیات بانکی، نظارت بر بانکها را به عهده داشت. با گسترش سیستم بانکی در سال ۱۳۳۹ بانک مرکزی تأسیس و وظیفه نظارت بر سیستم بانکی را به عهده گرفت.

اعلان تأسیس بانک ملی ایران

امروزه که دوره ترقی و سعادت به طرف ایران رونهاده و اول قدمی است که به استقبال آن با جان و مال اهالی برداشته‌اند، و در تدارک و تهیه این امر محترم از بذل جان و مال مضایقه ندارند، و برای انتظام این نیت مقدس اولیای دولت محتاج به وجه معتدبه بودند، و گفتگویی با دولتین متحابتین انگلیس و روس نموده بودند که از آنها استقراض نمایند، دولتین معزی‌الیها نیز حاضر شده بودند که به قدر لزوم کارگشائی نمایند. از طرف قرین‌الشرف مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ارواح‌العالمین فدا، مسئله را رجوع و اخطار به مجلس شورای ملی فرمودند. اهل مجلس، محض پاس حقوق شاهانه و حفظ شئون ملی و ملاحظات خیرخواهانه دولت و ملت، قرض از خارجه را تصویب نمودند. عموم اهالی غیرتمند و وطن‌پرست که خدای حافظ و ناصرشان باد، حتی مخدرات محترمه در مجالس و مساجد و منابر به صدا درآمدند که این وجه را، ولو اینکه مجاناً باشد و بلاعوض، خودمان حاضریم که به دولت داده و از خارجه استقراض نشود. لہذا از اعضاء مجلس شورای ملی چنین صلاح دانستند که بانکی موسوم به بانک ملی تأسیس شود، که عموم اهالی ایران در آن بانک شرکت داشته باشند. هرکس بقدر قوه و همت و وطن‌پرستی خود وجهی بعنوان سرمایه شرکتی در این بانک بگذارد قبض و سهام دریافت دارد. که بانک با این سرمایه داد و ستد نموده حالا و فعلاً رفع حوائج دولت و ملت را بنماید. مراتب به توسط حضرت مستطاب اجل اشرف آقای صدراعظم مدظله‌العالی به عرض خاکپای مهر اعتلای مقدس شاهانه ارواحنا فدا رسیده، تأسیس این بانک را امر و اجازه فرمودند. لہذا جمعی از وزراء عظام و رجال محترم و تجار با یکدیگر همراهی و اتحاد نمودند و تشکیل این بانک را درصدد برآمدند، و فعلاً سرمایه این بانک را در مبلغ سی کرور تومان معین نمودند، که بعدها لدی‌الاقضاء به یک صد کرور تومان بالغ خواهد شد. تعداد مؤسسين این بانک یک صد نفر است، که این یک صد نفر هرکدام از پنجهزار تومان الی پنجاه هزار تومان وجه سرمایه تأسیس داده و خواهند داد، ولی عموم اهالی غیرتمند ایران از تمام

ممالک محروسه مجاز و مختار است که در این بانک ملی بقدر قوه خود از پنج تومان الی هر میزانی که بخواهد وجه داده شرکت نماید قبض و سهام دریافت داشته و خیر دنیا و آخرتی را برای خود تحصیل نماید. چون تاموقع نوشتن قوانین صحیحه و شرایط آن، مدتی لازم است که از روی بصیرت و صحت و اعتبار موافق ترتیبات بانکهای ملل متمدنه ترتیبات اساسی بانک فراهم شود، و مبلغی عمده فعلاً برحسب ضرورت و لزوم برای مخارج فوق‌العاده دولتی که تأخیر و تعویق آن ممکن نیست لازم است و عموم اهالی وطن دوست عجله در راه انداختن وجه و رفع احتیاج دولت از استقراض از خارجه داشتند و خواهش نمودند اعلانی نوشته شود و چندین محل برای تحویل دادن وجوهات معین شود. لهذا این اعلان انتشار داده شد که هریک از اینای وطن دوست عزیز که مایل هستند در این بنای مقدس شریک، و نام نیک خود را در صفحه روزگار باقی و ثابت بگذارد در ادارات مقرر ذیل وجه سرمایه اشتراکی خود را تحویل دهند. قبض موقتی که طبع شده به امضاء و مهر صاحب اداره بگیرد و همان طور که در قبوضات چاپ شده نوشته شده، پس از آن که سهام بانک حاضر شود این قبوضات موقتی را به بانک ملی رد نموده، و ورقه سهام دریافت خواهند داشت. امتیازات راجعه به این بانک که از طرف دولت قوی شوکت مرحمت می شود با شرایط مقرر در قوانین اساسیه مندرج و اعلان خواهد گردید.^(۱)

امتیازات

نفوذ تمدن غرب و دادن امتیازات مختلف به کشورهای اروپایی باعث ورود اجناس خارجی گردید که منجر به ضعف تجارت داخلی شد، مردم ایران پس از شناخت پارچه‌های خارجی کمتر توجهی به پارچه‌های بافت ایران از جمله مخمل و ترمه کاشان و کرمان و شالهای پشمی خراسان داشتند در نتیجه عده‌ای از تجار متضرر یا ورشکست شدند.

امتیازاتی که ناصرالدین شاه به اتباع دول خارجی، خاصه روسیه و انگلستان داد، از لحاظ کسب آثار و مظاهر تمدن جدید اروپایی برای کشوری که تازه می‌خواست با این تمدن آشنا شود ضروری و مفید به نظر می‌رسید. ناصرالدین شاه شیفته تمدن جدید غرب و طالب اصلاحات در سازمانهای اداری و اقتصادی کشور بود.

اما نکته مهمی که در مورد امتیازات بنظر می‌رسد این است که هیچ‌گونه موازنه‌ای از لحاظ قوای

سیاسی و نظامی بین گیرندگان امتیاز و کشور ایران وجود نداشت و مذاکرات درباره آن امتیازات در شرایط متقابل بین دو دولت ذینفع صورت نمی‌گرفت. علاوه بر آن غالب امتیازات در مواقعی بر ایران تحمیل می‌شد که خزانه کشور دچار فقر و دولت در تنگنای بی‌پولی و شاه در فکر تدارک سفرهای تفریحی به اروپا بود و در نتیجه هر امتیازی با دریافت مبلغی ناچیز، که بهر تقدیر علاج موقت برای فقر خزانه کشور به شمار می‌آمد، و با شرایط نامساعد بحال ایران به بیگانگان اعطاء و پولی که از این ممر عاید خزانه می‌شد در اندک مدتی صرف هزینه سفر شاه و همراهانش به فرنگ و پرداخت مستمری‌های گزاف شاهزادگان و درباریان می‌گردید.

دول روس و انگلیس، که محاصره نظامی ایران را از سلطنت فتحعلی شاه تا اواسط دوره پادشاهی ناصرالدین شاه با عقد قراردادهای ترکمانچای و پاریس تکمیل کرده بودند، در میدان رقابت اقتصادی نیز هرگز از پای ننشستند و، دست به محاصره اقتصادی ایران زدند و هریک از آن دو دولت، در سایه رخنه سیاسی در امور داخلی ایران به کسب امتیازاتی نایل شدند. اما این اقدامات در حقیقت مقدمه‌ای برای اقدامات آینده دو دولت توسعه طلب در ایران بود.

نفوذ تمدن جدید غرب در ایران، خواه و ناخواه، پای اجناس و کالاهای بیگانه را به کشور ما باز کرد و طبقاتی از مردم کم و بیش به استفاده از کالاهای خارجی راغب شدند و چیت و فاستونی و پارچه‌های پشمی خارجی را بر منسوجات نخی دستباف و مخمل و ترمه کاشان و کرمان و شالهای پشمی خراسان و کرمان ترجیح دادند و بازار ایران مورد توجه بیگانگان قرار گرفت و یک سلسله عهد نامه‌های بازرگانی و دوستی بین ایران و کشورهای روسیه و انگلیس و بلژیک و اسپانیا و فرانسه و کشورهای متحد امریکا منعقد گردید. انعقاد این قراردادها دول زورمند یعنی روس و انگلیس، را بر آن داشت که برای در دست گرفتن کلیدهای اقتصاد ایران هرچه بیشتر در شئون سیاسی و ارکان امور اداری ایران رخنه کنند و از یک طرف قراردادهای جدید بازرگانی به سود خویش بر ایران تحمیل نمایند و از طرف دیگر امتیازاتی در زمینه امور اقتصادی به دست آورند.

امتیازاتی که به روسها داده شد

راهسازی

امتیاز ساختن راه انزلی به قزوین در سال ۱۳۱۰ قمری (۱۸۹۲ میلادی) از طرف ناصرالدینشاه به شرکت روسی «بیمه حمل و نقل» در ایران داده شد. مدت امتیاز ۹۹ ساله و شرکت موظف بود که شرکت تازه‌ای با سرمایه ایرانی و روسی برای ساختن راه مزبور تأسیس کند. سایر شرایط امتیاز نامه

از این قرار بود:

- ۱- عرض راه شوسه از سه متر کمتر نباشد و راه در مدت دو سال ساخته شود.
- ۲- یک ماه پس از تاریخ اعطای امتیاز نامه عملیات مقدماتی راهسازی آغاز و حداکثر تا شش ماه تسطیح راه انجام شود والا دولت ایران امتیاز را لغو خواهد کرد.
- ۳- اگر منافع خالص شرکت از صدی دوازده تجاوز کند همه ساله نصف مبلغی که از میزان صدی دوازده متجاوز است به دولت ایران پرداخته شود.
- ۴- هرگاه دولت ایران بخواهد راهی از تهران به کرانه دریای خزر بسازد، در شرایط مساوی، شرکت روسی حق تقدیم خواهد داشت.

شرکت بیمه حمل و نقل در سال ۱۳۱۵ قمری دایره امتیاز خود را وسعت داد و امتیاز جدیدی برای ساختن راه شوسه تهران به همدان از طریق قزوین از مظفرالدین شاه گرفت. مدت این امتیاز ۷۵ ساله و شرایط آن برای ایران بسیار نامساعد بود زیرا روسها با کسب امتیاز راهسازی، امتیاز و انحصار استخراج معادن واقع در دو طرف راههای قزوین به انزلی و تهران به همدان را نیز از مظفرالدین شاه گرفتند.

راه قزوین به انزلی و تهران به همدان که هر دو از لحاظ تجارت روسیه با ایران برای آن کشور ضرورت داشت، به وسیله شرکت‌های روسی ساخته شد و این امتیازات تا اواسط جنگ جهانی اول و انقلاب کبیر روسیه (۱۹۱۷ میلادی مطابق با ۱۳۳۶ قمری) برقرار و وصول عوارض راهداری و نظارت بر عبور و مرور در این جاده‌ها در دست روسها بود و در حین جنگ جهانی اول از راههای مزبور برای حمل و نقل واحدهای ارتش روسیه تزاری در شمال و غرب ایران استفاده شد.

معادن قراچه داغ

در سال ۱۳۱۷ قمری (۱۸۹۸ میلادی) امتیاز استخراج معادن قراچه داغ آذربایجان از طرف دولت ایران به شرکت روسی که نماینده آن نیکولاسورسکوف مهندس روسی، بود برای مدت ۷۰ سال داده شد. تاریخ این امتیاز دهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۱۶ بود و از تاریخ اول ذیقعه سال ۱۳۱۶ (اول مارس ۱۸۹۹ میلادی) رسمیت یافت.

حوزه امتیاز منطقه وسیعی از شمال آذربایجان در امتداد رود ارس بود که از جنوب تا مرند و اهر امتداد داشت و دارنده امتیاز حق داشت که از کلیه منابع زیرزمینی این منطقه، به استثنای فلزات قیمتی و جواهر آلات و معادنی که قبلاً در اجاره یا امتیاز و یا در تصرف اشخاص دیگر بود،

بهره‌برداری کند و ۱۶ درصد از سود خالص سنگهای معدنی معادن دولتی که در ایران ذوب کند و صدی پنج از سود خالص معادن متعلق به اشخاص را به دولت ایران بپردازد. ضمناً شرکت موظف بود که معادن متعلق به اشخاص را قبلاً از صاحبان آنها خریداری کند و نیز برای هر هزار پوت (۱۶۵۰۰ کیلو) سنگ معدنی خام که به خارج حمل کند ۲/۵ منات (تقریباً ۱۵ قرآن) و برای حمل همین مقدار زغال سنگ پنج منات (سه تومان) به دولت ایران بپردازد.

شرایط دیگر امتیاز نامه از این قرار بود:

۱- شرکت می‌تواند برای رفع احتیاجات خود راههایی را که برای بهره‌برداری از معادن لازم است بسازد.

۲- شرکت می‌تواند برای رفع احتیاجات خود به قدر لزوم از چوب و هیزم جنگلهای محلی بلاعوض استفاده کند.

۳- شرکت مکلف بود که از تاریخ اول مارس ۱۸۹۹ میلادی (اول ذی‌عقده ۱۳۱۶ قمری) حداکثر تا ده سال تجسس علمی برای تعیین محل و نوع معادن حوزه امتیاز خود را انجام دهد. ولی چون در سال ۱۳۲۷ قمری مدت ده سال مهلت سرآمد و تجسس شرکت پایان نیافت از دولت ایران تقاضای تمدید مهلت نمود و دولت مهلت مقرر را سه سال تمدید کرد و شرکت روسی در این مدت هشت نوع معدن در ۷۵ نقطه از حوزه امتیاز را کشف و بهره‌برداری از آنها را آغاز نمود.^(۱)

شیلات

امتیاز انحصار صید ماهی در آبهای ایران در دریای خزر، از طرف ناصرالدین شاه به یکی از اتباع روسیه به نام لیاخانوف و برادران او داده شد. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه امتیاز مزبور تجدید و تمدید گردید و آخرین بار در ماه صفر سال ۱۳۲۴ قمری (۱۹۰۶ میلادی) در زمان صادرات عین‌الدوله برای مدت بیست سال تمدید و قرار شد شرکت شیلات سالانه ۱۶۰ هزار تومان در ازاء بهره‌برداری از منطقه وسیعی در کرانه دریای خزر به ایران بپردازد. در آن موقع که بار دیگر خزانه ایران

۱- نواحی قراجه داغ معادن بسیار دارد و در زمانهای سابق هم در استخراج آن معادن اقداماتی چند به عمل آمده است. از آن جمله در سال ۱۲۲۱ (قمری) عباس میرزای نایب‌السلطنه یک نفر معدن شناس انگلیسی را که (Capitaine Monteith) نام داشت مأمور نمود که درخصوص معادن آذربایجان تحقیقاتی به عمل آورد و نتیجه آنرا به نظر نایب‌السلطنه برساند مشارالیه پس از امتحاناتی چند یقین حاصل نمود که معادن بسیار زیادی در این ناحیه وجود دارد.

تهی بود مظفرالدین شاه حق‌الامتياز سه ساله را از شرکت شیلات یک جا دریافت نمود. در سال ۱۲۹۱ قمری (۱۷۸۴ میلادی) پس از آنکه رویتر امتیاز احداث راه آهن از رشت به تهران و از تهران به خلیج فارس را برای مدت هفتاد سال بدست آورد یکی از اتباع روسیه بنام فن فالکنهاگن امتیاز احداث و بهره برداری راه آهن جلفا به تبریز را از ناصرالدین شاه گرفت و چون نتوانست در مهلت مقرر به تعهد خود عمل کند امتیاز لغو گردید.

امتیازی که به فرانسویان داده شد

کاوشهای علمی در ایران

در حدود سالهای ۱۳۱۴-۱۳۱۵ قمری (۱۸۹۷ میلادی) دولت فرانسه امتیاز کاوشهای علمی برای کشف آثار باستانی را در سراسر خاک ایران و به مدت نامحدود از مظفرالدین شاه گرفت. مطابق این امتیاز خرابه‌ها و مناطق باستانی ایران به دو قسمت تقسیم شده بود بدین معنی که درباره شوش مقررات و شرایط خاص پیش‌بینی شده و حفاری در سایر نواحی ایران تابع مقرراتی بود که ضمن اعطای امتیاز حفاری از طرف ناصرالدین شاه به دیولافوی منظور گردیده بود. بر طبق این امتیاز نامه آنچه از حفاری در سراسر خاک ایران، به غیر از ناحیه شوش، به دست می‌آمد بایستی بین دولت ایران و دارنده امتیاز به طور مساوی تقسیم شود.

پس از صدور امتیاز نامه، دولت فرانسه یکی از علمای باستان‌شناسی خود موسوم به کفنت دمرگان را که در مصر مشغول تحقیقات علمی مربوط به آثار باستانی مصر بود به ایران فرستاد. مرگان، که سالها در انتظار چنین فرصتی بود بزودی عازم شوش گردید و از سال ۱۳۱۷ قمری کاوشهای علمی را آغاز نمود. از جمله همراهان دمرگان کشیشی بود بنام شییل که در تاریخ قدیم ایران و خواندن زبان الامی (عیلامی) مهارت داشت.

دمرگان از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ قمری (۱۸۹۹-۱۹۰۲ میلادی) با عده زیادی عمله، که گاهی تعداد آنان به ۱۲۰۰ نفر می‌رسید، به عملیات حفاری خود در تله‌ها و پشته‌های ناحیه شوش ادامه داد و در حدود ۵۰۰۰ قطعه از آثار باستانی ایران را که سهم دولت فرانسه بود در ۱۸۳ صندوق جای داد و با خود به پاریس برد. و در سال ۱۳۱۸ قمری (۱۹۰۰ میلادی) در نمایشگاهی در معرض تماشای مردم قرار داد. اشیاء مزبور مورد توجه مردم، خاصه دانشمندان و علمای فن باستانشناسی، قرار گرفت بعدها آن اشیاء و بقیه اشیاء مکشوفه در شوش را به موزه لوور پاریس بردند و در غرفه ایران جای دادند.

امتیاز مربوط به انگلیسی‌ها و مسئله نفت تلگراف

در تاریخ ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۹ قمری (۱۶ اوت ۱۹۰۱ میلادی) امتیاز احداث یک شبکه ارتباط تلگرافی با سه سیم بین تهران و سرحد بلوچستان به انگلیسی‌ها داده شد. شبکه مزبور تهران را از طریق کاشان و یزد و کرمان به مرز هند مربوط می‌ساخت.

یکی از شرایط امتیاز نامه این بود که دولت انگلیس (دارنده امتیاز) آنچه تیر تلگراف و سیم و غیره لازم باشد به قیمت عادلانه خریداری کند و بهای آن را به اضافه کرایه حمل، بدون سود، از ایران دریافت کند.

شرط دیگر این بود که خط تلگرافی جدید متعلق به دولت ایران ولی استفاده از آن برای مخابره تلگرافهای خارجی در انحصار اداره تلگراف هند و اروپا و درآمد مخابرات متعلق به آن شرکت باشد. دولت انگلیس در برابر نظارت بر خطوط مزبور و تحصیل درآمد آنها هر سال مبلغی در حدود چهار درصد هزینه ساخت و مصالح خطوط مزبور را به دولت ایران خواهد پرداخت.

انگلستان امتیاز خطوط تلگرافی عمده جنوب ایران و انحصار کابل زیر دریایی بوشهر - جاسک را برای ارتباط پایگاههای دریایی خود در خلیج فارس و دریای عمان کسب کرده بود با گرفتن امتیاز جدید شبکه ارتباطی نواحی مورد نظر خود را در جنوب شرقی ایران با بلوچستان انگلیس (پاکستان فعلی) و هندوستان تکمیل نمود و کمی بعد سیم دیگری به سیمهای موجود بین تهران و کاشان به خرج دولت ایران افزود.

مدت امتیاز فوق‌الذکر تا پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۴۳ قمری (اول ژانویه ۱۹۲۵ میلادی) بود و در تاریخ انقضاء مدت امتیاز نامه هرگاه دولت ایران قروض خود را از بابت احداث شبکه تلگرافی مزبور به انگلستان نپرداخته بود امتیاز نامه به قوت خود باقی می‌ماند.

نفت

سابقه امتیاز نفت

در فرمانی که ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ میلادی) به نام بارون جولیبوس دورویتر صادر کرد امتیاز استخراج کلیه معادن فلزات (غیر از فلزات قیمتی) و زغال سنگ و نفت ایران را به وی داد. اقدام ناصرالدین شاه در مورد اعطای چنان امتیازی به یک تبعه خارجی آن چنان غیر مترقبه و عجیب بود که ناظران بیگانه و از آن جمله دکتر تولوزان فرانسوی طبیب مخصوص شاه

و لرد کرزن و سرپرسی سایکس و آژانسهای اطلاعاتی و محافل سیاسی و اقتصادی آن روز جهان را به حیرت انداخت.

لرد کرزن درباره این امتیاز در کتاب خود به نام «ایران و مسئله ایران» چنین می‌نویسد: «وقتی که امتیاز رویتر منتشر گشت مندرجات آن حاکی از تسلیم کامل و خارق‌العاده کلیه منافع صنعتی کشور به بیگانگان بود و این کاری بود که هیچ‌گاه در تاریخ سابقه نداشته است.»
«و در حقیقت محافل بازرگانی دنیا از اعطای چنین امتیازات مبهوت شده بودند و بارون دورویتر بزودی درک کرد که بدون تضمین دولت نه او می‌توانست قرضه شش میلیون لیره مندرج در ماده شانزده امتیاز نامه را تهیه کند و نه توانایی آن را داشت که شرکتی تشکیل دهد تا از امتیاز مزبور بهره‌برداری کند. اجرای امتیاز نامه موجب می‌شد که منازعه دائم بین انگلیس و روس در ایران درگیرد و ممکن بود تولید مزاحمت‌های شدید بین‌المللی بنماید.

ناصرالدین شاه سرانجام در برابر فشار سیاسی روسیه تزاری و مخالفت افکار عمومی و محافل بازرگانی جهان، امتیاز نامه رویتر را لغو کرد و چون رویتر دست از دعاوی خود بر نمی‌داشت ناگزیر امتیاز تأسیس بانکی به نام بانک شاهنشاهی ایران را به او داد.

تجدید امتیاز معادن

پس از مدت‌ها گفتگو بین دولت ایران و بارون جولوس دورویتر، از سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ میلادی) تا سال ۱۳۰۶ قمری (۱۸۸۹ میلادی) سرانجام ناصرالدین شاه ضمن اعطاء امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی به رویتر امتیاز استخراج و بهره‌برداری کلیه معادن ایران (غیر از فلزات قیمتی و جواهرات) و از آن جمله معادن نفت را برای مدت ۶۰ سال به رویتر داد.
ماده یازدهم امتیاز نامه درباره معادن ایران بدین قرار بود:

«بانک (شاهنشاهی) در مدت ۶۰ سال مدت این امتیاز نامه، امتیاز انحصاری قطعی دارد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن و سرب و مس و زینق و زغال سنگ و نفت و غیره به استثنای فلزات قیمتی و جواهر آلات را که متعلق به دیوان باشد و قبل از وقت به دیگران واگذار نشده باشد دایر نماید.»

پنج سال پیش از تجدید امتیاز معادن به نام رویتر، یعنی در سال ۱۳۰۲ قمری (۱۸۸۴ میلادی) یک شرکت انگلیسی بنام شرکت هوتز که شعبه‌ای در بوشهر برای ورود و صدور کالاهای تجارتهای دایر نموده بود امتیازی برای استخراج نفت در حوضه دالکی واقع در کرانه خلیج فارس نزدیک بندر

بو شهر از دولت ایران گرفت و اولین چاه نفت را هم در حوضه امتیاز حفر کرد که چندان عمیق نبود و چون به نفت نرسید از ادامه کار منصرف شد.

بانک شاهنشاهی ایران چندی پس از کسب امتیاز استخراج معادن ایران، طبق اختیاری که بنا بر مفاد فصل نهم امتیاز نامه به او داده شده بود حقوقی را که برای استخراج و بهره‌برداری معادن ایران داشت به یک شرکت انگلیسی موسوم به «شرکت معادن ایران» در ازاء دریافت صد و پنجاه هزار لیره انگلیسی واگذار کرد.

سرمایه شرکت معادن ایران یک میلیون لیره انگلیسی بود وعده‌ای از سرمایه‌داران روسی و فرانسوی و بلژیکی هم در آن شریک بودند. شرکت مزبور مطالعات و تجسسات علمی خود را برای کشف معادن ایران آغاز کرد و ضمناً در مورد نفت امتیازی را که شرکت انگلیسی هوتز در حوضه دالکی به دست آورده بود از آن شرکت خرید و کارشناسان شرکت در سمنان و دالکی و جزیره قشم به کاوش پرداختند.

اقدامات شرکت تا ده سال مهلت مقرر در امتیاز نامه در مورد نفت بدون اخذ نتیجه دنبال شد و چون به مرحله بهره‌برداری از نفت نرسید بر طبق فصل یازدهم امتیاز نامه حق شرکت درباره نفت خود به خود ملغی گردید. درباره سنگهای معدنی نیز پس از حمل مقداری سنگ مانگانز از کرمان به بندر عباس با توجه به هزینه گزاف استخراج و حمل و نقل مسلم گردید که بهره‌برداری از معادن فلزی نیز برای شرکت مزبور مقرون به صرفه نخواهد بود.

امتیاز داری

چند سال قبل از اعطای امتیاز داری مسیو دمرگان باستان شناس فرانسوی که سالها در شوش مشغول کاوش برای کشف آثار باستانی ایران بود مقاله‌ای در مجله معادن که در پاریس چاپ می‌شد راجع به وجود نفت در غرب و جنوب غربی ایران شرح مفصلی نگاشت.

یک نفر ایرانی به نام کتابچی خان که در آن موقع متصدی اداره گمرک بود مقاله مزبور را خواند و چون در مسافرت خود به نقاط غرب از آثار سطحی نفت مطلع شده بود مطمئن شد که منابع بزرگ نفت در ایران وجود دارد. کتابچی خان سفری به پاریس رفت و در آنجا به سابقه دوستی با سر هنری دروموندولف که چندی قبل از آن تاریخ سمت وزیر مختاری انگلیس را در ایران داشت، ملاقات نمود. ضمن این ملاقات کتابچی خان به مقاله دمرگان اشاره کرد و مشاهدات شخصی خود را در باره وجود نفت متذکر گردید و از سر هنری دروموندولف تقاضا کرد که وسایل آشنائی او را با

سرمایه‌داران انگلیسی فراهم نمایند تا مطلب را با آنها به میان گذارد و از آنها دعوت کند که برای استخراج نفت ایران اقدام نمایند. سر هنری دروموندولف که خود چند سال وزیر مختار انگلیس در ایران بود، اطلاعاتی راجع به منابع نفتی ایران داشت و به کتابچی خان وعده اقدام داد و از پاریس عازم لندن شد که در آنجا با سرمایه‌داران وارد مذاکره شود. در لندن سر هنری دروموندولف با شخصی به نام ویلیام ناکس دارسی آشنا شد و او را تشویق نمود که سرمایه خود را برای استخراج نفت ایران به کار اندازد.

دارسی تصمیم گرفت که زمین شناس مطلع و کارآزموده‌ای را انتخاب و به ایران اعزام دارد تا در این باره گزارش جامعی به او بدهد و زمین شناس به نام هت برلو با یک نفر معاون به نام دالتن از طرف داریسی استخدام و به ایران اعزام گشتند. این متخصصین پس از مطالعه در محل گزارش رضایت بخشی داده و گفتند که کشف نفت در حوالی قصر شیرین و شوشتر بسیار محتمل و در نقاط دیگر هم امید بسیاری می‌رود.

در ۱۹۰۱ (۱۳۱۹ قمری) داریسی نماینده‌ای به اسم ماریوت به معیت کتابچی خان به تهران اعزام داشت که با دولت ایران مذاکره کند و امتیاز اکتشاف نفت و استخراج آنرا بدست آورد و ماریوت هم سفارشنامه‌ای سر هنری دروموندولف برای وزیر مختار انگلیس در تهران برد که به او کمک نماید.

وزارت خارجه انگلیس به هاردینک دستور داده بود که در ایران کوشش نماید که امتیاز اکتشاف نفت نواحی جنوب ایران را برای یکی از اتباع انگلیس بدست آورد و طوری رفتار نماید که موجب تحریک روسها هم نشود.

هاردینک به نماینده داریسی توصیه کرد که حفاری در پنج ایالت شمالی را جزء طرح خود منظور ندارد تا از اعتراض روسها کاسته گردد.

ماریوت و کتابچی خان پس از ورود به تهران پیشنهاد خود را به نظر مظفرالدین شاه رسانیدند شاه چون تحت نفوذ روسها بود با آن پیشنهاد موافقت نکرد.

هاردینک به ملاقات امین‌السلطان رفت، با تطمیع او توانست موافقت شاه را جلب کند عاقبت امتیاز اکتشاف نفت به داریسی داده شد، نوشته‌اند که نماینده داریسی در حدود ده هزار لیره به اتابک و مشیرالدوله پرداخته است.

در تابستان ۱۹۰۴ (۱۳۲۱ قمری) گاز نفت در عمق ۵۰۷ متری پدیدار شد و بعد نفت مختصری

بدست آمد.

چند ماه بعد چاه دوم به نفت رسید که محصول آن روزانه ۳۰ تن بود.

چون خوانین بختیاری اشکالاتی فراهم می‌کردند شرکت با آنها قراردادی منعقد کرد که از منافع شرکت مبالغی به آنها بپردازد.

در سال ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ ق) شرکت نفت قراردادی با شیخ خزعل منعقد کرد و مقداری از اراضی آبادان را برای ایجاد پالایشگاه خریداری نمود.^(۱)

یک نفر گرجی تبعه روسیه تزاری به نام خوشتاریا که خود را دوست صمیمی سازانف وزیر امور خارجه روسیه و عاشق و شیفته ایران وانمود می‌کرد، پس از مدتی توقف در تهران موفق شد که در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۱۶ (ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری برابر با بهمن ۱۲۹۴ شمسی) با محمودلی خان خلعت‌بری ملقب به نصرالسلطنه، که در شعبان سال ۱۳۱۳ قمری اجازه استخراج نفت را در تنکابن و کجور و کلارستاق مازندران طبق فرمانی از ناصرالدین شاه کسب کرده بود، قراردادی برای استخراج بهره‌برداری از منابع نفت آن نواحی منعقد کنند.

خلاصه قرارداد این است که محمد ولی خان سپهسالار اعظم حق استفاده از مورد امتیاز خود را در مازندران به خوشتاریا منتقل کرده و خوشتاریا متعهد شده است که حداکثر تا یک سال پس از تعیین تکلیف صلح روسیه با متحدین، تجسس‌ات لازم را در مورد نفت به عمل آورد و اگر نفت پیدا کرد، پنجاه هزار منات بلاعوض به حضرت اشرف سپهسالار اعظم تقدیم کند و همین که شروع به استخراج نفت کرد، صد هزار منات دیگر مساعده بدهد و بعداً از قرار هر پوت نفت یک کپیک حساب کند. سپهسالار اعظم حق داشت که یک نفر نماینده در حوضه امتیاز بگمارد تا مراقب میزان استخراج نفت باشد.

مدت این قرارداد ۹۹ سال و چون سپهسالار (سپهدار) خود رئیس الوزرا و وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه و مجلس شورای ملی دچار تعطیل بود، قرارداد را در دفتر وزارت امور خارجه ایران به ثبت رسانید و بر اثر فشار دولت تزاری روسیه، در همان سال دولت ایران امتیاز استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی را در سراسر گیلان و مازندران و استرآباد (گرگان) برای مدت ۷۰ سال به خوشتاریا واگذار و سه ناحیه تنکابن و کجور و کلارستاق را، که قبلاً سپهدار به خوشتاریا واگذار نموده بود، از حوضه قرارداد جدید مستثنی کند.

به موجب قرارداد جدید، مورخ جمادی‌الاولی سال ۱۳۳۴ قمری (۱۹۱۶ میلادی)، دولت ایران

حق نظارت بر عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از نفت شمال و بازرسی را داشت و خوشتاریا متعهد بود که هر سال، و نیز هر زمان که دولت ایران بخواهد، بیان عملیات شرکتی را که برای استخراج و بهره‌برداری معادن نفت تأسیس خواهد کرد، به دولت ایران بدهد و معادل صدی شانزده از سود ویژه نفت را به دولت بپردازد و جز کارمندان علمی و فنی شرکت بقیه اجزا و عمده و کارگر و غیره را از اتباع ایران استخدام کند. خوشتاریا متعهد بود که در موقع کشف و استخراج هر چشمه نفت وزارت فواید عامه را مطلع کند و دو نسخه نقشه (حداقل به مقیاس $\frac{1}{10,000}$) از اراضی و نقاطی که به نفت رسیده است، به دولت تقدیم کند و اگر استخراج نفت را مفید تشخیص داد، یک صد هزار منات نقد و یکصد هزار منات اعتباری بدون حق استرداد به وزارت فواید عامه بدهد ولی این پرداخت فقط یک بار خواهد بود.

کلیه ماشین آلات و اسباب و لوازم مورد احتیاج حوضه نفت از پرداخت گمرک معاف و خوشتاریا متعهد بود که در پایان مدت قرارداد کلیه منابع نفت و اراضی و بناها و ماشین آلات و تأسیسات حوضه نفتی و اموال منقول و غیر منقول شرکت را به دولت ایران واگذار نماید و اگر در مدت پنج سال از تاریخ امتیاز شروع به عملیات نکند، امتیاز مذکور از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

هنوز خوشتاریا امتیازی که به زور دولت روسیه تزاری به دست آورده استفاده نکرده بود که انقلاب بزرگ روسیه - مشی سیاسی آن دولت را تغییر داد و رژیم جدید لغو کلیه امتیازات و قراردادهای دوره تزاری را اعلام نمود و خوشتاریا برای فروش امتیاز خود عازم اروپا شد. در اروپا با شرکت هلندی رویال دچ گفتگو کرد و رؤسای آن شرکت پس از مراجعه به دولت ایران همین که فهمیدند این امتیاز قوت قانونی ندارد، از خرید آن خودداری کردند. شرکت‌های فرانسوی نیز به همین ترتیب و پس از کسب اطلاع از دولت ایران حاضر به خرید امتیاز نشدند و سرانجام خوشتاریا به لندن رفت و با شرکت نفت انگلیس و ایران دارنده امتیاز نفت جنوب ایران وارد مذاکره شد.

انگلیسها، که پس از انقلاب روسیه، یکه‌تاز میدان سیاست ایران گردیده و کابینه دست نشانده خود یعنی کابینه وثوق‌الدوله را روی کار آورده بودند، امتیاز نامه و نسخه فرمان ناصرالدین شاه خطاب به سپهسالار و قرارداد بین او و خوشتاریا را در ازای یک صد هزار لیره نقد و وعده پرداخت مبلغ بیشتری در آینده از خوشتاریا خریدند و در ماه مه ۱۹۲۰ میلادی (رمضان سال ۱۳۳۸ قمری) شرکت نفت انگلیس و ایران، شرکت تابعه‌ای به نام «شرکت نفت‌های شمال ایران» با سرمایه سه میلیون لیره تشکیل داد و در لندن به ثبت رسانید سرچارلز کریفوی رئیس هیأت مدیره شرکت نفت

انگلیس و ایران و خوشتاریا و رابرت واتسن یکی از مدیران شرکت نفت برمه و یک نفر دیگر به نام ژاکلی از مدیران شرکت نفت شمال بودند.

دولت ایران به ریاست مشیرالدوله طی یادداشت رسمی که به سفارت انگلیس فرستاد متذکر شد که دولت و ملت ایران امتیاز خوشتاریا را، که به زور از دولت‌های گذشته ایران گرفته شده است، به رسمیت نمی‌شناسد و آن امتیاز نامه به تصویب پارلمان ایران نرسیده از درجه اعتبار ساقط است. از طرف دیگر ایالات متحد آمریکا که با انگلستان بر سر نفت و بازار فروش آن به رقابت برخاسته و طرفدار «دروازه باز» و مخالف هر نوع انحصار منابع نفتی به یک یا دو کشور در جهان بود، در زمینه معامله انگلیسیها یا خوشتاریا به دولت بریتانیا اعتراض نمود و دنباله این کشمکش و رقابت بین آمریکا و انگلیس سال‌ها ادامه یافت و به پیروزی آمریکا تمام شد.

در پاسخ توضیحی که دولت اتانزونی از سفارت ایران در واشنگتن درباره امتیاز خوشتاریا خواست، حسین علاء، وزیر مختار ایران در آن کشور، اعلامیه‌ای صادر و تصریح کرد که شرکت نفت انگلیس و ایران می‌خواهد امتیاز نفت را در پنج ایالت شمالی ایران به دست آورد و دولت ایران ترجیح می‌دهد که چنین امتیازی را به اتانزونی بدهد.

«در همان وقت وزارت خارجه آمریکا به وزیر مختار خود در تهران دستور می‌دهد که مراتب زیر را به وزارت خارجه ایران اطلاع دهد:

۱- شرکت‌های آمریکایی در صدد برخوانند آمد که امتیاز اکتشاف و بهره‌برداری نفت را در ایالات شمالی ایران تحصیل کنند و وزارت خارجه آمریکا امیدوار است که در این باب توفیق یابد.

۲- وزارت خارجه آمریکا خوشوقت است که دولت ایران متوجه این نکته شده که یک منبع مهم اقتصادی آن نباید به انحصار یک شرکت واحد خارجی درآید.

۳- وزارت خارجه آمریکا معتقد است که انحصار استخراج نفت توسط یک مؤسسه خارجی مخالف با اصل رفتار مساوی با اتباع کشورهای خارجی می‌باشد.

۴- وزارت خارجه آمریکا به دولت ایران توصیه می‌کند که از لحاظ منافع ایران و از لحاظ روابط اقتصادی بین‌المللی مصلحت در این است که اعطای امتیاز نفت متوقف گردد تا آنکه شرکت‌های آمریکایی فرصت این را داشته باشند که درباره آن با دولت ایران وارد مذاکره شوند.

در ملاقاتی که بین وزیر مختار آمریکا و وزیر خارجه ایران صورت می‌گیرد و مطالب فوق مذاکره می‌شود، وزیر خارجه ایران اظهار می‌دارد که امتیاز خوشتاریا بی اعتبار است و درباره امتیاز نفت به شرکت‌های آمریکایی هم اظهار نظری نمی‌تواند بکند زیرا مجلس شورای ملی تعطیل است

و این قضیه پس از آنکه مجلس رسماً و قانوناً تشکیل شد، باید مورد مذاکره قرار گیرد.^{۱۱} دو سه ماه پیش از کودتای ۱۲۹۹ شمسی، یعنی در ربیع‌الاول سال ۱۳۳۹ قمری (نوامبر ۱۹۲۰ میلادی) از طرف شرکت نفت جنوب ایران نماینده‌ای برای مذاکره با دولت ایران در مورد کسب امتیاز استخراج نفت در خراسان و آذربایجان و وادار کردن ایران به تأیید امتیاز خوشتاریا به تهران آمد و مذاکرات او با وزارت امور خارجه ایران بار دیگر موجب اعتراض سفارت آمریکا در تهران گردید. دولت ایران به وزیر مختار آمریکا یادآوری کرد که، چون ایران در مضیقه مالی قرار دارد و به کمک مالی بریتانیا نیازمند است، دولت آمریکا با اعطای وامی به مبلغ دو میلیون دلار به ایران می‌تواند ایران را از کمک بریتانیا بی‌نیاز کند و البته پرداخت این وام راه کسب امتیازات نفت و معادن دیگر ایران را برای آمریکا هموار خواهد ساخت.

چون اعتراض دولت آمریکا و امتناع دولت ایران از اعطای امتیاز نفت خراسان و آذربایجان و تأیید امتیاز نامه خوشتاریا، هیأت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران را از حصول موفقیت در این امر ناامید ساخت به کمیسر نفت دولت ایران در لندن اطلاع داد که چون قضیه نفت شمال معوق مانده است، شرکت نفت انگلیس و ایران حق‌الامتیاز دولت ایران را بابت امتیاز داری نمی‌خواهد پرداخت. منظور بریتانیا این بود که: با این رویه دولت ایران را تهدید و مرعوب نماید.

اندکی پیش از پایان جنگ جهانی اول در اروپا، سرچارلز مارلینگ وزیر مختار انگلیس در تهران جای خود را به سرپرستی کاکس وزیر مختار جدید آن دولت در ایران سپرد. نماینده سیاسی جدید بریتانیا سوابق خدمت ممتد در ایران و عثمانی (بویژه در بین‌النهرین و بغداد) را داشت و به قول سایکس مورد اعتماد مقامات انگلیسی بود. مذاکرات مربوط به قرارداد مدت نه ماه طول کشید و در تاریخ نهم اوت ۱۹۱۹ میلادی (ذیقعه سال ۱۳۳۷ قمری) در تهران به امضاء رسید.

این قرارداد شامل شش ماده و یک مقدمه و خلاصه آن عبارت بود از: تعهدات بریتانیا در باره احترام مطلق به استقلال و تمامیت ایران و اعزام مستشاران متخصص انگلیسی برای ادارات ایران و همکاری با ایران در زمینه احداث خطوط آهن و شبکه ارتباطی و اعطای وام به ایران (طبق قرارداد جداگانه) و امثال آن.

در ماه ششم قرارداد تشکیل یک هیأت مختلط از متخصصین برای مطالعه و تجدید نظر در تعرفه گمرکی موجود، پیش‌بینی شده و نیز دولت بریتانیا حاضر شده بود که برای تأمین هزینه مستشاران مالی و نظامی انگلیسی و متحدالشکل ساختن ارتش ایران، به حساب دولت ایران، مبلغ دو میلیون لیره انگلیسی با سود صدی ۷ به مدت بیست سال به ایران بپردازد.